

راهکنش‌های عملیات روانی ایالات متحده آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران^۱

حمید سولتانیان^۲، علیرضا گلشنی^۳، ابراهیم متقی^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

چکیده

عملیات روانی از شیوه‌های اعمال قدرت در عصر کنش‌های نوین بین‌المللی است که کاربرد آن در بر ساخت موضوعات متعدد به‌ویژه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران، مسئله حیاتی در محیط‌شناسی راهبردی انقلاب اسلامی و روندهای ناامن‌ساز مرتبط با آن قلمداد می‌گردد. این پژوهش در صدد شناخت راهکنش‌های عملیات روانی در قبال برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران توسط نهادهای آمریکامحور بوده است. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مقاله با تکیه بر جمع‌آوری اسنادی، کتابخانه‌ای و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی با تکنیک کیوسرت تدوین یافته است. سؤال اصلی مقاله به این قرار است؛ آمریکا از چه راهکنش‌های عملیات روانی در قبال برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران استفاده کرده است؟ برای پاسخ به سؤال، فرضیه مقاله این‌گونه تدوین یافته است که راهکنش‌های عملیات روانی آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران استفاده از «اعتبارسازی»، «متقاعدسازی»، «متهم‌سازی» و «ختنی‌سازی» بوده است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که نهادهای جنگ نرم ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از راهکنش‌های متقاعدسازی و اعتبارسازی در دوران تصویب توافق‌نامه‌های هسته‌ای و راهکنش‌های متهم‌سازی (سوژه‌سازی) و ختنی‌سازی (بی‌اثرسازی) در پسمذاکرات نقش موثری در تصاعد تهدیدات نرم و ساخت روندهای امنیتی در موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران داشته است.

واژگان کلیدی: بی‌اثرسازی، راهکنش‌های عملیات روانی، سوژه‌سازی، نهادهای جنگ نرم.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران.

رایانامه: soltanian.hamid62@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: Agolshani41@gmail.com

۴. استاد تمام گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: emottaghi@ut.ac.ir



۱. مقدمه

درک این واقعیت درباره ج.ا.ایران که بنیاد اصلی انقلاب اسلامی و نظام اسلامی برآمده از آن ریشه در منابع قدرت نرم نظام دارد، برخی متفکرین و سیاست‌گذاران آمریکایی را به این نتیجه رساند که از ضرورت فعال‌سازی راهکارهای عملیات روانی جهت تأمین منافع سخن به میان آورند. به‌کارگیری عناوین و عباراتی همچون: «دولت توسعه‌طلب»، «ناقص حقوق بشر»، «گسترش‌دهنده سلاح‌های کشتار جمعی»، «حامی تروریسم»، «اخلال‌گر نظم منطقه‌ای»، «دولت یاغی و سرکش از نظم موجود»^۱، «محور شرارت»^۲، «پایگاه استبداد»^۳ و مانند آن با کاربست جنگ نرم از سیاست راهبردی آمریکا است.^۴ اگر این نگرش کلی به انقلاب اسلامی ایران را در کنار یا در چارچوب نگاه امنیتی کلان ایالات متحده پس از جنگ سرد و نگرش ویژه این کشور به مقوله امنیت و تهدیدات بعد از ۱۱ سپتامبر مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم توانست تحلیل مناسبی از چگونگی و چرایی شیوه‌های نوین مواجهه آن در موضوعات متعدد به‌ویژه برنامه هسته‌ای ارائه دهیم.

سابقه هسته‌ای ج.ا.ایران به‌خوبی نمایانگر تلاش ایران برای مبرا کردن خود از اتهام‌های نظام‌های استکباری است و نشان می‌دهد به سبب اعمال مقاصد صلح‌آمیز و نیازهای ضروری ایران، دستیابی به فناوری هسته‌ای (وجود قابلیت‌های بومی) را ضرورتی راهبردی تعریف نماید. با این حال، موضوع فعالیت‌های هسته‌ای همچنان جزء مقولاتی است که در کشور دچار تحدیدات مختلفی از سوی جامعه بین‌الملل است. در قبال آن، به‌کارگیری

1. Rogue State

2. Axis of Evil

3. Outpost of Tyranny

۴. در جهت اثبات محوریت یافتن جنگ نرم در نبردهای نوین آمریکا، پروژه دلتا با سه محور «دکترین مهار»، «نبرد رسانه‌ای» و «ساماندهی نافرمانی مدنی برای تغییر» در سیاست‌های مواجهه با ج.ا.ایران از جنگ سخت به جنگ نرم قابل تأمل است.

«جنگ نرم» و «قدرت نرم»^۱ توسط ایالات متحده آمریکا محوری‌ترین نوع اعمال قدرت است که شناخت ابعاد نوین آن به دلیل تغییر در شیوه نبردهای کنونی، وجود جنگ‌های ترکیبی و کاهش تهدیدات جنگ سخت، مسئله‌ای مهم و اساسی در آینده می‌باشد. مقام معظم رهبری در تعریفی کلان از جنگ نرم اشاره می‌نمایند:

«جنگ نرم، یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی به وسیله نفوذ به وسیله دروغ، شایعه‌پراکنی با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد. ابزارهای ارتباطی که ده سال قبل و پانزده سال قبل نبود، امروزه گسترش پیدا کرده [است]...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۸۸/۰۹/۰۴).

بررسی‌ها نشان‌دهنده این است که پدیداری و پویایی بحران هسته‌ای نه بر پایه امور فنی و غیرسیاسی بلکه تحت تأثیر رابطه تقابلی و رسیدن به نقطه محدودی در بحث هسته‌ای بوده است. از این رو، کارگزاران (هیئت حاکمه و سازمان‌های دیپلماتیک و اطلاعاتی)، نهادهای جنگ نرم (بیش از ۴۰ مؤسسه، اتاق فکر و رسانه) و سازمان‌های آمریکامحور (سازمان اقدام ویژه و گروه مذاکرات تروریستی) با کاربست عملیات روانی، جهت اعمال قدرت در برنامه هسته‌ای به‌ویژه مذاکرات متعدد آن، شرایط را برای مواجهه ج.ا.ایران با استمرار معمای امنیت فراهم ساخته است.

مسئله مقاله حاضر شناخت راهکنش‌های عملیات روانی ایالات متحده آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران است که برخی از مذاکرات به‌ویژه برنامه جامع توافق هسته‌ای (برجام) برای آن شناخت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر همین اساس، تبیین و شناخت مسئله عملیات روانی آمریکا در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران و موضوعات مختلفی از جمله برنامه هسته‌ای در دستور کار قرار نگارندگان قرار دارد که اهمیت آن در شناخت سازوکارهای اجرایی تهدیدات نرم واشنگتن و چشم‌انداز آن می‌باشد که به صورت منسجم و عمیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱. قدرت نرم پیش از آن‌که توسط محافل فکری غربی و نظریه‌پردازانی نظیر جوزف نای به‌صورت نظری و آکادمیک مطرح شود، توسط امام خمینی(ره) به‌صورت عملی و عملیاتی با پایه‌ریزی نظام اسلامی و ایجاد سنگ‌بناهای گفتمان انقلاب اسلامی تجسم عینی یافت (متقی، ۱۳۸۶: ۸).

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی

۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

کتاب و مقالات بسیاری در بیست سال اخیر با موضوع بحران هسته‌ای ج.ا.ایران بر اساس رهیافت‌های متعدد نوشته شده است. در این نوشتارهای علمی و پژوهشی (مهم‌ترین آنها)، تمرکز اولیه بر روی راهبردهای هسته‌ای و نقش تصمیم‌گیران به مثابه ابزاری راهبردی در کسب منافع ملی بوده است. تمرکز دوم مطالب تدوین‌شده در این زمینه، فعالیت رسانه‌ای برای برساخت انواع موضوعات در پساانقلاب اسلامی از دریچه نگاه ژئواستراتژیک ج.ا.ایران و تقابل ایالات متحده آمریکا بوده است. سومین مسئله مورد توجه نویسندگان، سیر تقابل ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ایران با موضوع هسته‌ای، خوانش خطر پارس‌ی و خطر شیعی بوده است. تفاوت موضوع پژوهش حاضر با مطالب تدوین‌شده قبلی (جدول شماره ۱) از دو منظر است:

- (۱) بررسی سیاست‌های هدفمند و اعلامی کشورهای مورد بحث،
- (۲) پرداختن به این مسئله که چگونه با به‌کارگیری نهادهای متعدد در ساختار حاکمیتی می‌توان بدون تهدیدات سخت‌افزاری به کسب منافع ملی دست یافت.

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش		
عنوان پژوهش	نویسنده	مهم‌ترین یافته و تمرکز تحقیق
بازاندیشی در روش تلفیقی؛ مطالعه موردی رویه تصمیم‌گیری ج.ا.ایران در برجام	سیدرضا موسوی نیا ۱۳۹۸	ارتباط عوامل روان‌شناختی با روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی، بر عمق تحلیل کمی می‌افزاید. سه تکنیک مورد استفاده قرار گرفته است: تکنیک اول) مصاحبه غیرساختمند نظام باورهای آنها در مورد پرونده هسته‌ای؛ تکنیک دوم) تحلیل محتوی سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای حاکم بر تصمیم‌گیرها؛ تکنیک سوم) مطالعه نظام شناختی و نظام باورهای تصمیم‌گیران سیاسی. از روش تحلیل کیفی - روش تلفیقی برای انجام

این پژوهش استفاده شده است.		
احصاء تکنیک‌های آمریکا بر ضد ج.ا.ایران در قالب الگوی مدرن فریبندگی؛ این مهم، دوران پس از انقلاب را دربر می‌گیرد و به صورت کلی، اقدام آمریکا در برابر گفتمان آمریکا را تشریح می‌کند. روش انجام مقاله حاضر، توصیفی - تحلیلی است.	اصغر افتخاری ۱۳۹۳	الگوهای مدرن عملیات روانی آمریکا علیه ج.ا.ایران
بررسی چگونگی اقدام رسانه‌های صدای آمریکا، مسئله اصلی این مقاله را تشکیل داده است. ضمن تبیین چگونگی بحران از موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران به دسته‌بندی مناطق تأثیرپذیر از این فضا سازی رسانه‌ای و ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند. روش مقاله حاضر، تحلیل محتوا است.	محمدعلی شیرخانی و جواد حق‌گو ۱۳۹۴	واکاوی فضا سازی رسانه‌ای آمریکا در پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران (بررسی موردی عملکرد صدای آمریکا)
تکنیک‌های عملیات روانی به کار گرفته شده توسط شبکه ماهواره‌ای بی.بی.سی در انتخابات سال ۱۳۸۸ به ترتیب بیشترین تا کمترین میزان استفاده، در این پژوهش احصا شده است. روش مقاله حاضر، تحقیقات میدانی و توصیفی از نوع پیمایشی است.	اسماعیلی و دیگران ۱۳۹۳	چگونگی روش‌های عملیات رسانه‌ای تلویزیون فارسی بی.بی.سی در انتخابات دهم ریاست جمهوری
تکنیک‌های عملیات رسانه‌ای توسط رسانه‌های غرب هنگام توافق‌نامه برجام و بعد از آن برای تحت تأثیر قرار دادن امنیت و سیاست در ج.ا.ایران بررسی شده است. این تحقیق عملیات رسانه‌ای را مدنظر دارد نه عملیات روانی. روش انجام این پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تحلیلی و توصیفی از نوع پیمایشی است.	داوود گودرزی ۱۳۹۵	بررسی و تحلیل عملیات روانی رسانه‌های غربی بر ابعاد امنیتی سیاسی ج.ا.ایران در شرایط پسا برجام
در مقاله حاضر به تحلیل مصادیق عملیات روانی غرب علیه ایران پرداخته دهم است و برخی از	رضا باقی‌زاده ۱۳۹۲	بررسی گفتمان اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی در مطبوعات و

<p>مصادیق به شرح زیر هستند:</p> <p>نقض حقوق بشر،</p> <p>برنامه هسته‌ای،</p> <p>رویکرد نظامی،</p> <p>حمایت از تروریسم،</p> <p>ادعای دخالت ج.ا.ایران در امور داخلی دیگر کشورها.</p> <p>مثاله براساس روش تحلیلی-توصیفی پرداخته شده است.</p>		<p>رسانه‌های برجسته غرب</p>
--	--	-----------------------------

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. نظریه برجسته‌سازی^۱

نظریه برجسته‌سازی یکی از رهیافت‌های نظری مهم در عملیات روانی و علوم ارتباطات است که این موضوع را مورد تدقیق قرار داده است (شکرخواه، ۱۳۷۴: ۹۰). بنیاد و اساس برجسته‌سازی را این اصل شکل می‌دهد که حاکمیت‌ها با ارائه خبرها، موضوعاتی را که عامه درباره آن فکر می‌کنند، تعیین می‌کنند (مک‌کامبز و دونالد^۲، ۱۹۷۲: ۷۶). در این الگو، رسانه‌ها ممکن است در اغلب اوقات در اینکه به مردم بگویند که چگونه فکر کنند، موفق نباشند، اما در اینکه به خوانندگان خود بگویند که درباره چه چیزی فکر کنند، موفق هستند (برنارد^۳، ۱۹۶۳: ۱۲۰). محور اصلی برجسته‌سازی عبارت از: ساخت آگاهی عمومی و مرتبط با موضوعاتی است که در رسانه‌های خبری در مورد آنها صحبت نمی‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: فصل ۴).

۲-۲-۲. مدل مفهومی

در فرایندهای شناختی که مفاهیمی ذهنی و دارای پیچیدگی فراوان هستند، مدل مفهومی یک بیان عینی و ملموس از پدیده‌هایی است که تحت بررسی هستند. از آنجایی که ساخت مدل‌های معتبر

1. Agenda Setting
2. Maxwell McCombs and Shaw Donald
3. Cohen Bernards

بر اساس دستورالعمل‌های مدل‌سازی بر یک مدل مفهومی مبتنی است، تحقیق حاضر بر یک مدل مفهومی بر اساس مفروضات و نظریات اولیه مبتنی است که در شکل (۱) نشان داده شده است. با توجه به پژوهش مورد نظر، در مذاکرات هسته‌ای طرفین مذاکره بارها در جنگ رسانه‌ای خود با برجسته‌سازی اقدامات و تحرکات، پیشبرد اهداف را فراهم می‌ساختند. بر اساس این نظریه، عوامل اجراکننده عملیات روانی برعهده دو گروه کلی رسانه‌ها و بخش دیپلماسی، اطلاعاتی و نهادهای جنگ نرم ایالات متحده بود که ساخت آگاهی عمومی و مرتبط با تحقق منافع آنها را در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران تأمین کرد. ادعایی که در ادامه با تحلیل محتوایی عملکرد کارگزاران جنگ نرم آمریکا با بهره‌گیری از راهکنش‌های عملیات روانی مورد ارزیابی قرار گرفته است.



شکل شماره ۱. نگاشت مدل برجسته‌سازی در مذاکرات هسته‌ای

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی مبتنی بر تکنیک کیوسرت است. کیوسرت (کیو) اساس و مبنایی را برای مطالعه نظام‌مند ذهنیت‌های افراد، دیدگاه‌های

فردی، نظرگاه‌ها، عقاید، نگرش‌ها و مانند آن فراهم می‌آورد (براون^۱، ۱۹۹۳) و به مشارکت‌کنندگان اجازه می‌دهد به بیان دیدگاه‌هایی بپردازند که انعکاس ذهنیت‌های آنها است (کوگان و هرینگتون^۲، ۲۰۱۱).

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر روش، توصیفی؛ و از جهت داده‌های جمع‌آوری و تحلیل‌شده، از نوع ترکیبی (آمیخته) اکتشافی است. این تحقیق از منظر هدف، کاربردی می‌باشد؛ چراکه سعی می‌شود نتایج حاصل از این تحقیق را مورد استفاده‌ی عملی قرار داده و با کمک نتایج آن، مسئله‌ای حاکمیتی در حوزه تهدیدات نوین و ترکیبی رفع شوند.

این تحقیق از منظر گردآوری اطلاعات، تحقیقی توصیفی-پیمایشی می‌باشد. هنگامی که در تحقیق سعی می‌شود با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای مدل اولیه‌ی سنجش سرمایه فکری ارائه گردد، روشی کیفی است، اما از آنجا که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS، تحلیل عاملی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود، این روش به نوعی روش کمی نیز محسوب می‌شود. همچنین هنگامی که سعی می‌گردد با کمک پرسشنامه‌ی خبرگی، نظر خبرگان در مورد مدل احصا گردیده و یا هنگامی که برای بررسی فرضیات تحقیق جهت آزمون روایی مدل از پرسشنامه استفاده می‌گردد، تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد.

در خصوص مراحل اجرای روش کیو، برخی از دسته‌بندی‌ها مراحل انجام روش مذکور را پنج مرحله و برخی به دو مرحله دسته‌بندی کرده‌اند (خوشگویان‌فرد، ۱۳۸۶: ۳۰؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱). در پژوهش حاضر از فرایند پنج مرحله‌ای استفاده شده است. برای انجام روایی^۳ در این پژوهش، نخست نمونه داده‌ها به تعداد ۷۲ گزاره جمع‌آوری گردید و پس از آن در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و بعد از

-
1. S.R. Brown
 2. J. Coogan & N. Herrington
 3. validity

گردآوری نظرات و ابهامات آنها انتخاب نمونه معرف فضای گفتگمانی به تعداد ۴۰ گویه انتخاب شده است. برای انجام پایایی^۱ در پژوهش از روش آزمون-آزمون مجدد استفاده گردیده و بیست درصد از افراد نمونه مورد آزمون (مجدد) قرار گرفتند و ضریب همبستگی به دست آمده، عدد ۸۱ درصد را نشان می‌دهد که نشانگر سطح بالایی از پایایی است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های پژوهش

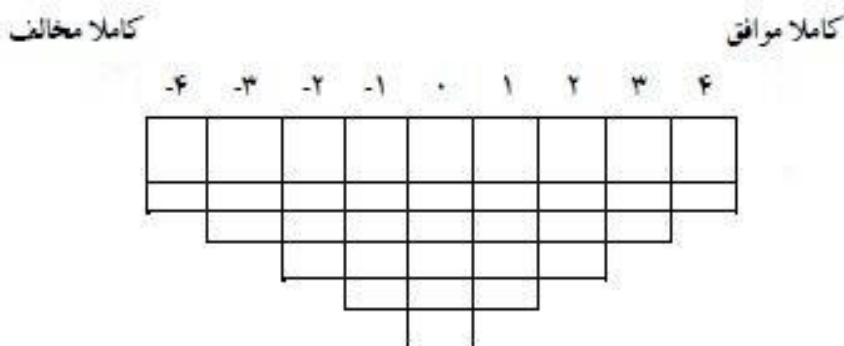
همان‌طور که اشاره گردید، نمونه‌ی آماری این تحقیق ۱۵ نفر از خبرگان آگاه به موضوع که حداقل از مدرک کارشناسی برخوردار بودند، تشکیل می‌شود. اطلاعات مربوط به سن، جنسیت، مدرک تحصیلی و سابقه کاری آن‌ها در جدول (۲) ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۲. اطلاعات مربوط به مشارکت‌کنندگان	
سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با عملیات روانی مانند: ❖ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ❖ مجلس شورای اسلامی، ❖ وزارت اطلاعات، ❖ نیروهای مسلح، ❖ صداوسیما ج.ا.ایران، ❖ بسیج جامعه زنان سازمان بسیج مستضعفین، ❖ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ❖ وزارت آموزش و پرورش.	نهاد مربوطه
❖ کارشناسی، ❖ کارشناسی ارشد، ❖ دکتری، ❖ خارج فقه حوزوی.	تحصیلات
❖ ۸۰ درصد مرد، ❖ ۲۰ درصد زن.	جنسیت
❖ اساتید دانشگاه،	رده مسئولیتی

❖ دانشجویان دکتری،
❖ نماینده مجلس شورای اسلامی،
❖ معاون یا قائم‌مقام در سطح سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، و مشاوران آنها.

با توجه به تعداد گزاره‌ها در این پژوهش، ۴۰ مورد که بر این اساس نظر ۱۵ نفر مشارکت‌کننده از میان متخصصان به‌دست آمده، از توزیع شبه‌نرمال که شکل استاندارد جدول رتبه‌بندی گزاره‌ها در روش‌شناسی کیو است، استفاده شده است. طراحی بازه رتبه‌بندی از «+۴» برای بسیار موافق و تا «-۴» برای بسیار مخالف می‌باشد و عدد صفر در میانه نمودار قرار می‌گیرد.

جدول رتبه‌بندی در شکل (۲) نشان داده شده است. برای انجام کار، ۴۰ گزاره‌ای که برای انجام پژوهش تدوین شده بود، بر روی ۴۰ عدد کارت برای اولویت‌بندی طراحی شد تا مشارکت‌کنندگان با سه دسته کردن گزاره‌ها به‌صورت موافق، مخالف و ممتنع، به مرتب‌سازی بپردازند.



شکل شماره ۲. رتبه‌بندی گزاره‌ها

داده‌های گردآوری شده در ۱۵ جدول یا نمودار کیو (جدول رتبه‌بندی که گزاره‌ها در آن اولویت‌بندی شده‌اند، نمودار کیو نیز نامیده می‌شود) تهیه شد. داده‌های گردآمده برای ورود به نرم‌افزار SPSS آماده و برای تحلیل عاملی وارد محیط داده‌پردازی شدند.

در روش‌شناسی کیو، مشارکت‌کنندگان که میزان موافقت یا مخالفت آن‌ها در اولویت‌بندی گزاره‌ها به هم نزدیک‌تر باشد، دارای ذهنیت مشابهی خواهند بود و در نتیجه این روش، با توجه به نزدیکی ذهنیت افراد، دسته‌بندی صورت می‌گیرد (خسروی، ۱۳۹۹: ۱۳۲). در این تحلیل برای چرخش عامل‌ها از روش واریمکس می‌شود.

«پراکندگی»^۱ و «مقدار ویژه»^۲ از خروجی‌های تحلیل عاملی می‌باشند که چنانچه مشاهده می‌شود، چهار عامل شناسایی شده گویای در حدود ۶۵ دیدگاه‌های مشترک مشارکت‌کنندگان می‌باشد. در مرحله‌ی نهایی برای بیان ذهنیت مشترک یک گروه یا یک عامل، لازم است امتیازی که از دیدگاه عامل مورد نظر به هر گزینه‌ی کیو تعلق می‌گیرد، محاسبه شود و سپس امتیازهای عاملی توسط پژوهشگر و مطابق با بازه‌ی رتبه‌بندی پژوهش مرتب می‌شوند و این امر منجر به تشکیل یک جدول جدید خواهد شد که نماینده‌ی ذهنیت عامل مورد نظر می‌باشد (خسروی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). رتبه‌های عاملی و همچنین میزان همبستگی نمودار کیوها با هر عامل در جدول (۳) نمایش داده شده‌اند.

جدول شماره ۳. مقدار ویژه پراکندگی عامل‌ها (درصد واریانس کل تبیین شده)						
رتبه	مقادیر ویژه اولیه			مقادیر عامل‌های استخراج شده چرخش یافته نهایی		
	مقدار ویژه	واریانس	واریانس تجمعی	مقدار ویژه	واریانس	واریانس تجمعی
۱	5.536	36.904	36.904	3.015	20.101	20.101
۲	1.761	11.741	48.645	2.894	19.290	39.391
۳	1.462	9.749	58.394	2.006	13.376	52.767
۴	1.133	7.552	65.946	1.977	13.178	65.946

داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد عامل اول و دوم دارای چهار دیدگاه حمایت‌کننده و عامل سوم و چهارم نیز هر کدام ۲ دیدگاه حمایت‌کننده دارد که در یک پژوهش کیو با ۱۵

مشارکت‌کننده، توزیع ایده‌آلی است. نتایج اجرای تحلیل عاملی اکتشافی در جدول (۴) آورده شده است.

جدول شماره ۴. مقدار ویژه و همه‌داشت عامل‌های چرخش یافته			
عامل (ذهنیت)	مقدار ویژه	همه‌داشت (درصد واریانس)	همه‌داشت جمعی
۱	3.015	20.101	20.101
۲	2.894	19.290	39.391
۳	2.006	13.376	52.767
۴	1.977	13.178	65.946

۲-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از انجام تحقیقات لازم و تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق پرسشنامه، مصاحبه با صاحب‌نظران، بررسی اسناد و مدارک در رابطه با موضوع تحقیق که به روش کیو و با استفاده از جداول توزیع فراوانی، نمودارها و توزیع درصدی و آمار استنباطی که به منظور آزمون فرضیه‌ها اجرا گردیده و به نتایج زیر که اهداف تحقیق می‌باشد، دست یافتیم. با میانگین به دست آمده، از نتایج حاصل از سؤال‌های مطرح شده در خصوص فرضیه‌ها، این نتیجه حاصل می‌گردد که حدود ۷۰ درصد از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان سازوکار عملیات روانی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران و مذاکرات مرتبط با آن را به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم‌بندی کرده‌اند. نتیجه حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها حاکی از آن است که بیشترین اجماع بر عامل یک (به میزان ۲۰.۱۰۱) و کمترین اجماع بر عامل چهارم (با حدود ۱۳ درصد) می‌باشد. هر عامل به صورت یک نمودار کیو نمایش داده می‌شود و عامل‌ها مجدداً در جدول رتبه‌بندی پژوهش وارد می‌شوند تا نمودار کیو به دست آید.

اکنون سؤال اصلی این است که راهکنش‌های عملیات روانی آمریکا در فضای برجام کدام است؟ برای پاسخ به این سؤال به «آرایه‌های عاملی» (جداول کیو کامل شده‌ای هستند که بر اساس نگاشت عادی نتایج به دست می‌آیند) توجه خواهیم کرد. جدول (۵) خلاصه‌ای

از آرایه‌های عاملی پژوهش می‌باشد که کمترین و بیشترین امتیاز اختصاص یافته به هر گزینه‌ی کیو را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. برگه یادداشت عوامل (الگوهای ذهنی) این پژوهش				
گزینه‌های کیو				ذهنیت (راهکنش)
-۴	پایین‌ترین رتبه‌ها در الگو	بالاترین رتبه‌ها در الگو	+۴	
۱۰-۲۴-۳۱-۳۵-۴۰	۱-۳-۷-۱۵-۳۲-۳۵-۳۹	۹-۱۳-۲۰-۲۲- ۲۵-۳۸	۴-۱۷-۲۲-۲۶-۳۶	اول
۱۰-۱۹-۲۸-۳۵-۳۷- ۴۰	۱-۱۰-۱۳-۱۵-۲۳-۲۷- ۳۱-۳۷-۴۰	۸-۹-۱۱-۱۲-۱۶- ۲۰-۳۲-۳۸	۶-۹-۱۶-۲۲-۲۶- ۳۴	دوم
۳-۱۰-۱۹-۲۷-۳۱- ۴۰	۳-۸-۲۰-۲۳-۲۵-۲۷- ۴۰	۶-۸-۱۹-۲۵-۲۶- ۲۸-۲۹-۳۸-۳۹	۹-۱۲-۲۹-۳۴	سوم
۱۴-۱۹-۲۳-۲۵-۳۵- ۴۰	۳-۷-۲۱-۲۳-۲۵-۲۷- ۲۸	۴-۹-۱۳-۲۲-۲۵- ۲۶-۳۹	۱۶-۲۶-۳۴-۳۹	چهارم

بر اساس داده‌های جدول (۵) می‌توان نتیجه گرفت مشارکت‌کنندگان رویکردهای عملیات روانی ایالات متحده آمریکا را با چهار ذهنیت متفاوت که در ادامه آنها را به‌عنوان راهکنش‌ها می‌شناسیم، به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهند.

۱-۲-۴. ذهنیت متقاعدسازی در مذاکرات

نخستین عامل شناسایی شده عامل شماره یک است که مقدار ویژه آن برابر با ۳.۰۱۵ بوده و نماینده ۲۰.۱۰۱ درصد دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان می‌باشد. گزاره‌های با اهمیت تعیین‌کننده کاربست عملیات روانی توسط کارگزاران و نهادهای جنگ نرم در شکل (۳) آمده است.

عوامل بهدست آمده	عبارت‌های مؤثر در عامل
عامل ذهنی اول: متقاعدسازی	<ul style="list-style-type: none"> • انتصابات مقامات دیپلماتیک آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۵ در نهادهای تصمیم‌گیر سیاست خارجی • چهار رویکرد برخورد نرم، فشار از داخل، تحریم‌های درازمدت و اقدام نظامی محدود علیه تأسیسات هسته‌ای ایران در سلسله نشست‌های راهبردی اتاق فکرهای آمریکا • گزارش‌اندیشکده‌های آمریکایی به‌ویژه هریتیج مبنی بر اهمیت جمهوری اسلامی و تأکید بر تلاش بین‌المللی کشورها برای مذاکرات در زمینه‌های چالشی. • ابعاد بین‌المللی تحریم‌ها و قطعنامه‌ها • تهدیدات اطلاعاتی علیه نخبگان، ظرفیت‌های علمی و هسته‌ای و جاسوسی هسته‌ای • لغو فرمان‌های اجرایی ۱۳۵۷۴-۱۳۵۹۰-۱۳۶۲۲-۱۳۶۴۵ در خصوص رفع تحریم‌های هسته‌ای • طرح انتظارات از ایران در مقابل حرکات مثبت آمریکا و جامعه جهانی در رسانه‌ها و تحرکات دیپلماتیک • انعکاس متفاوت شادمانی مقامات غربی از حصول توافق در برابر مسئولیت ایران در حفظ آن • تلاش غرب برای تشدید شکاف‌های سیاسی نخبگان ایران و اثرات اقتصادی تحریم‌ها • طرح گفتگوهای مستقیم و دیدارهای مقامات ارشد ایران و آمریکا در قالب هیئت برجام

شکل شماره ۳. عامل ذهنی اول (متقاعدسازی در مذاکرات)

نظرات مشترک افراد این گروه نشان می‌دهد که این افراد، عمده‌ترین تحرکات، مواضع و اخبار مربوط به مذاکرات هسته‌ای در سال‌های ۱۳۹۲ به بعد از سوی نهادهای جنگ نرم، کارگزاران آمریکایی و نهادهای اطلاعاتی را تلاش برای متقاعدسازی، ترغیب و تشویق ج.ا.ایران و حتی سایر کشورهای مرتبط با موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران می‌دانند. آنها اعتقاد دارند این‌که برای اولین بار، آمریکایی‌ها خواستار لغو برخی محدودیت‌ها، تحریم‌ها و نشان‌دادن به‌اصطلاح حُسن نیت در عرصه روابط بین‌الملل بوده‌اند، خود اهمیت زیادی داشته است.

شروع مناقشه هسته‌ای در نیمه‌های ۲۰۰۲م، چرخه منفی روابط میان ایالات متحده در پساانقلاب اسلامی را تشدید نمود. نقطه شروع مناقشه با افشاگری گروهی موسوم به شورای ملی مقاومت (ترکیبی از نیروهای ضدانقلاب)، در خصوص اطلاعاتی پیرامون برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران شروع شد. فعالیت‌های اعتمادساز ج.ا.ایران در آن مقطع نتوانست روند تهدیدنمایی و برساخته‌نمایی منفی را متوقف کند. در چنین شرایطی، قدرت‌های بزرگ با محوریت آمریکا زمینه را برای افزایش هزینه‌های استمرار برنامه هسته‌ای توسط سازمان ملل فراهم کردند. روند مذکور در سال ۲۰۰۸م، با روی کار آمدن «باراک اوباما»^۱ و طرح تغییر در معادلات جهانی، شرایط را برای شیوه‌های نوین اعمال قدرت در قبال انقلاب اسلامی به‌ویژه موضوع هسته‌ای ایجاد کرد.

از نظر اوباما، آمریکا ضمن ایجاد و ائتلاف‌سازی بین‌المللی باید «به ج.ا.ایران نشان دهد که در صورت ایجاد یک تغییر اساسی در خط‌ومشی‌های خود، دستاوردهای مثبت اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک زیادی نصیبشان خواهد شد» (اوباما، ۲۰۰۷: ۳-۲). این روند به‌رغم تهدیدات مکرر از سوی کارگزاران آمریکایی^۲ تا سال ۲۰۱۴م، ادامه داشت. گزاره‌ای کلیدی در ایام منتهی به توافق بین‌المللی برجام نشان‌دهنده این واقعیت است که پیام «تغییر» در سیاست‌های دولت اوباما، انتصابات افراد معتقد به مذاکره بجای گزینه نظامی، ایجاد روابط و سازوکارهای علقه‌های فرهنگی اقداماتی مثبت بوده است اما برخی تحرکات مانند اقدامات اطلاعاتی، تهدیدات هسته‌ای و بین‌المللی کردن تحریم‌ها هم به عامل متقاعدسازی کمک کرده است.

۲-۲-۴. ذهنیت اعتبارسازی جهت مذاکرات

عامل شناسایی‌شده بعدی، عامل شماره ۲ می‌باشد که مقدار ویژه آن برابر با ۲.۸۹۴ بوده و نماینده حدود ۱۹ درصد دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان هست. گزاره‌های بااهمیت در این عامل در شکل (۴) آمده است.

1. Barack Hussein Obama

۲. گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا با عنوان «روندهای جهانی ۲۰۳۰»، در مورد خطر یک ج.ا.ایران هسته‌ای برای منافع ملی آمریکا در منطقه صحبت به میان آورده است (NIC report, 2012: 71).

عوامل به‌دست‌آمده	عبارت‌های مؤثر در عامل
عامل ذهنی دوم: اعتبارسازی	<ul style="list-style-type: none"> • سخنرانی اوباما و نشست‌های بین‌المللی در G7-ناتو-کنگره- اجلاس امنیتی مونیخ و پیام اطمینان از دستیابی ایران به تسلیحات اتمی • تلاش اعضای اتحادیه اروپا، در سفر به اسرائیل و منطقه غرب آسیا در دفاع از توافق هسته‌ای به‌منظور تأمین صلح در خاورمیانه • تأمین توان وغنی سازی هسته‌ای برای ایران از سوی غرب، روسیه و چین و گسترده‌گی انتشار و تعاملات مرتبط با آن • نقش تحریم‌های جامع و هوشمند در ایجاد و انجام مذاکرات • استفاده اوباما از استراتژی قدرت هوشمند بجای قدرت سخت زمان بوش مبتنی بر اسناد انتشار یافته امنیت ملی به‌صورت سالانه • نقش ارتباطات عاطفی و تعاملی کارگزاران آمریکایی با هیئت‌های ایرانی • تعهدپذیری و نمایش جدید آمریکا در مقابل ایران در مذاکرات و اقدامات مابعد آن توسط سیاست‌گذاران • نقش آلن آیر در بستر فضای مجازی با استفاده از شخصیت حقیقی خود در استفاده از دیپلماسی عمومی نوین در مواجهه با مذاکرات هسته‌ای • نقش محتوای اقتصادی برجام و تحرکات دیپلماتیک بین‌المللی با چراغ سبز آمریکا

شکل شماره ۴. عامل ذهنی دوم (اعتبارسازی جهت مذاکرات)

نظرات مشترک افراد گروه مزبور نشان می‌دهد که این افراد، عمده‌ترین تحرکات، مواضع و اخبار مربوط به مذاکرات هسته‌ای در سال‌های ۱۳۹۲ به بعد از سوی نهادهای جنگ نرم، کارگزاران آمریکایی و نهادهای اطلاعاتی را تلاش برای اعتبارسازی از توافق‌نامه بین‌المللی نزد ج.ا.ایران و حتی سایر کشورهای مرتبط با موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران می‌دانند. آن‌ها معتقد هستند آمریکایی‌ها با وجود برخی پیشینه‌های منفی در عرصه روابط بین‌الملل و اعمال برخی محدودیت‌ها، تحریم‌ها علیه ج.ا.ایران و سایر کشورها، دارای حُسن نیت نسبت به انجام و اجرای توافق‌نامه‌ها در عرصه روابط بین‌الملل بوده و اهمیت زیادی برای آنها داشته است.

واقعیت این است که نهادهای جنگ نرم ایالات متحده آمریکا از جمله اتاق فکرها و مؤسسات مرتبط با موضوع ج.ا.ایران تمرکز اصلی خود را بر عواید اقتصادی و محوریت یافتن آن در توافق بین‌المللی و برجسته‌سازی رویه جدید تعهدپذیری آمریکا در عرصه بین‌المللی قرار دادند و همزمان نهادهای دیپلماتیک و اطلاعاتی آمریکا با بررسی کاهش محدودیت‌های اقتصادی ج.ا.ایران و ارائه گزارش‌های اطلاعاتی به کنگره مبنی بر تعامل اقتصادی با ج.ا.ایران و راهکارهای ایجابی، به عامل اعتبارسازی توافق‌نامه کمک کرده است و سازوکار عملیات روانی آنها را نشان می‌دهد.

۳-۲-۴. ذهنیت متهم‌سازی (سوژه‌سازی) از برنامه هسته‌ای

عامل شناسایی‌شده بعدی، عامل شماره ۳ هست که مقدار ویژه آن برابر با ۲۰۰۶ بوده و نماینده ۱۳.۳۷۶ درصد دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان می‌باشد. گزاره‌های بااهمیت این عامل در شکل (۵) آمده است.

عوامل بدست آمده	عبارت‌های مؤثر در عامل
عامل ذهنی سوم: متهم‌سازی (سوژه‌سازی)	<ul style="list-style-type: none"> • انتشار اطلاعات مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران و آشکارسازی آنها • اهمیت بحران هسته‌ای ایران در امنیت بین‌الملل و نقش آن در چیدمان قدرت در خاورمیانه در دوران پسا جنگ سرد از نظر اتاق فکرهای آمریکا در سلسله نشست‌های راهبردی • خواتش خطر پارسی و خطر شیعی از سوی نخبگان فکری و ابزاری آمریکا در نهادهای علمی و سیاست‌گذار با تفسیر از عدم امنیت تاریخی ایران (کتاب‌های خطر پارسی و ایران مخفی) • خواتش فیزیکی از امنیت در برنامه هسته‌ای ایران از سوی نهادهای اطلاعاتی و کارگزاران در پسا توافق • تصویر ایران در مجله‌های تایمز و نیوزویک آمریکا و انتشارات بین‌المللی آن به زبان‌های مختلف (برجسته‌سازی خطر بالقوه ایران-عدم صداقت ایران در فعالیت هسته‌ای) • انتشار نقش منابع اورانیوم ایران در توسعه برنامه هسته‌ای نامحدود • نقش نظرسنجی مراکز تحقیقاتی معتبر اثرگذار بر روندهای جهانی موضوعات کلان مانند اتمی شدن ایران

شکل شماره ۵. عامل ذهنی سوم (خشتی‌سازی/متهم‌سازی از برنامه هسته‌ای)

نظرات مشترک افراد این گروه نشان می‌دهد که این افراد نیز عمده‌ترین تحرکات، مواضع و اخبار مربوط به مذاکرات هسته‌ای به‌ویژه از سال ۱۳۹۷ و فضای پس‌ابرجام از سوی نهادهای جنگ نرم، کارگزاران آمریکایی و نهادهای اطلاعاتی را در تلاش برای خروج از توافق‌نامه هسته‌ای، اعمال قدرت در برنامه هسته‌ای و حتی سایر کشورهای دخیل در مذاکرات می‌دانند. آنها بر این باور هستند آمریکایی‌ها با کمک سرویس‌های جاسوسی حتی ائتلافی و فعال‌شدن برخی نهادهای جنگ نرم آمریکامحور، به انتشار اطلاعات محرمانه و آشکارسازی فعالیت‌های هسته‌ای اقدام کرده و همزمان مؤسسات و اتاق‌فکرهای آنها به همراه نهادهای دیپلماتیک خوانش خطر پارسی، ایرانی، شیعی و... را با سفرهای متعدد به کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی انجام داده‌اند. متهم‌سازی و سوژه‌سازی از ج.ا.ایران همزمان با سیاست‌های رئیس‌جمهور جدید (ترامپ) و تأکید بر محوریت یافتن آمریکا به وجود آمد.

در دوره فعلی آنالیز بودجه‌بندی آمریکا و هزینه‌های نهادهای مختلف نشان می‌دهد علاوه بر نهادهای اطلاعاتی (به‌ویژه سرویس اطلاعاتی سیا: CIA) و شورای امنیت ملی در نهادی همانند امور خارجه، ردیف‌های بودجه پنجاه یا هشتاد میلیون برای حوزه «دیپلماسی عمومی» و مؤسسات فکری این نهاد اختصاص داده شده است. حوادث موجود نشان می‌دهد آنها مسئله «straic» را در ارتباط با ج.ا.ایران و برخلاف دوره قبلی ریاست‌جمهوری اوباما در دستورکار قرار داده است. بنابراین فعالیت نهادهای جنگ نرم در دوران پس‌ابرجام، در عرصه بین‌المللی تغییر جهت کلی نسبت به ایجاد ذهنیت اعتبارسازی و متقاعدسازی برجسته‌سازی شده توسط آمریکا داشته‌اند.

۴-۲-۴. ذهنیت بی‌اثرسازی توافق‌نامه‌های هسته‌ای

عامل شناسایی شده دیگر، عامل شماره ۴ می‌باشد که مقدار ویژه آن برابر با ۱.۹۹۷ بوده و نماینده ۱۳.۱۷۸ درصد دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان هست. گزاره‌های بااهمیت این عامل در شکل (۶) آمده است.

عبارت‌های مؤثر در عامل	عوامل به‌دست‌آمده
<ul style="list-style-type: none"> • انتصابات در میان مقامات دیپلماتیک بین سال‌های ۲۰۱۷ الی ۲۰۱۹ - تغییر مقامات دیپلماتیک و اطلاعاتی در نهادهای تصمیم‌گیر سیاست خارجی • (اتهام) حمایت ایران از تروریسم، نظام‌های سیاسی منطقه و تلاش برای دستیابی به بصب هسته‌ای • نشر قانون سنا که طبق قانون وظیفه دارد مانع توافق بد با ایران شود و هرگونه توافق بد دولت را وتو خواهد کرد • تغییر ساختار حاکمیت دولتی آمریکا و نقش سیاست‌گذاری‌های دیپلماتیک و اطلاعاتی آن دولت جدید • جهت‌گیری منطقه‌ای ترامپ و تضمین امنیت به رژیم‌های مخالف ایران با حضور در نشست‌های آن‌ها • تصویر ایران در مجله‌های تایمز و نیوزویک آمریکا و انتشارات بین‌المللی آن به زبان‌های مختلف (برجسته‌سازی خطر بالقوه ایران-عدم صداقت ایران در فعالیت هسته‌ای) • پیوند معنادار روند صلح خاورمیانه، حقوق بشر، تروریسم و ... در کنار مسائل هسته‌ای • توسعه ارتباط با اسرائیل و کمک تسلیحاتی به برخی کشورهای منطقه از سوی آمریکا • فعالیت‌های اطلاعاتی و تحرکات دیپلماتیک تحریک‌آمیز نظامی کارگزاران و نهادهای امنیتی • مذاکرات تصنعی، طرفداری از تحریم و تهدیدات مستمر، اعمال فشار بر همراهی کشورهای موافق علیه ایران 	<p>عامل ذهنی چهارم: بی‌اثرسازی برجسام (جستی‌سازی)</p>

شکل شماره ۶. عامل ذهنی چهارم (بی‌اثرسازی توافق‌نامه‌های هسته‌ای)

نظرات مشترک این گروه نشان می‌دهد که این افراد، عمده‌ترین تحرکات، مواضع و اخبار مربوط به مذاکرات پس‌ابرجام تلاش نهادهای جنگ نرم، کارگزاران آمریکایی و نهادهای اطلاعاتی را برای بی‌اثرسازی برجسام و حتی سایر کشورهای مرتبط با موضوع هسته‌ای می‌دانند. آن‌ها معتقد هستند روند انتصابات، جهت‌گیری‌های منطقه‌ای آمریکا با محوریت رژیم صهیونیستی، عربستان و توسعه تقابل‌های اطلاعاتی برای به‌اصطلاح مهار

توانمندی‌های ج.ا.ایران، چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای به نسبت تلاش‌ها در قبل از تصویب برجام بوده است.

از بررسی شاخص‌های فوق و سیر روابط دو کشور می‌توان اذعان داشت آمریکا خواستار انزوای شدید و به‌عقب راندن ج.ا.ایران به نقطه محدودی در بحث هسته‌ای است. البته این به عقب راندن و سد نمودن^۱ محدود به حوزه هسته‌ای نمی‌شود و بدون شک این مسئله ناشی از نقش با اصطلاح آمریکایی‌ها «منفی» کشور ایران در نظم جهانی مورد نظر آنها است. از این رو، ایالات متحده می‌کوشد با بهره‌گیری از سازوکار متقاعدسازی و اعتبارسازی از توافق‌نامه هسته‌ای در دوران تصویب برجام و همچنین راهکنش‌های متهم‌سازی (سوژه‌سازی) بی‌اثرسازی (خستگی‌سازی) در شرایط پس‌برجام استفاده کند. در واقع، نهادهای جنگ نرم آمریکا با توجه به شاخص‌های عملکردی دیپلماتیک، رسانه‌ای و اطلاعاتی، با ایجاد ساخت عمومی از موضوع فعالیت‌های هسته‌ای که منجر به برجسته‌سازی در حوزه‌های متعدد شده بود، نقشی تعیین‌کننده در اتخاذ سیاست‌های روانی در قبال فعالیت‌های ج.ا.ایران بازه زمانی مذاکرات مربوط به توافق‌نامه‌های متعدد برنامه هسته‌ای به‌ویژه از سال ۱۳۹۲ تا اکنون ۱۴۰۲ داشته است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هدف اصلی این پژوهش ارائه‌ی مدلی برای سنجش و تحلیل روش‌های نوین اعمال قدرت در عرصه بین‌المللی و معماری نوین در وضعیت‌های جدید مرتبط با امنیت ملی می‌باشد. این پژوهش در مقایسه با سایر فعالیت‌های تحقیقاتی دیگر، مؤید برنامه‌ریزی مبتنی بر ظرفیت‌های قدرت نرم است. بنابراین در این پژوهش تلاش شد عملیات روانی از دیدگاه امنیت روانی در سطح ملی و در چارچوب رویکرد جنگ نرم مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به این مسئله، ضمن مطالعه فرایندهای تأثیرگذاری عملیات روانی و نقاط مرجع جنگ نرم، راهکنش‌های عملیات روانی به‌عنوان یک رویکرد مهم در جنگ نرم مورد مذاقه قرار گرفت. می‌توان اذعان داشت صرف‌نظر از ابعاد پنهان توافق‌نامه، رسانه‌ها و دیگر

نهادهای جنگ نرم آمریکایی، ساخت عمومی را منطبق با منافع ملی خود در طول ۷۱۰ روز (مرداد ۱۳۹۲ آغاز به کار دولت یازدهم تا ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ تصویب برجام) با اجرای سازوکار اعتبارسازی و متقاعدسازی؛ و در دوران قبل از برجام و سپس بعد از توافقنامه تا تصمیم رئیس‌جمهور وقت آمریکا (ترامپ) برای خروج از توافقنامه در ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ با متهم‌سازی و خنثی‌سازی تا شرایط کنونی (۱۴۰۲) ایجاد کرده‌اند. بنابراین، تلاش گردید ذهنیت متخصصان و مطلعین عملیات روانی با توجه به تجربیات مختلف آنها درباره عملیات روانی ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران و اسناد آشکار در این زمینه مورد شناسایی قرار گیرد.

نتایج این تحقیق بیانگر آن است تضاد غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا با ج.ا.ایران ناظر بر دهه اخیر به کشمکش نوین از طریق جنگ نرم و حتی جنگ‌های ترکیبی منجر شده است و ایران اسلامی همواره آماج عملیات روانی به‌ویژه از طریق رسانه‌ها قرار داشته و خواهد داشت. در اثبات فرضیه اولیه چیستی راهکارها، باید گفت؛ در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور سه اشکال اساسی وجود دارد:

الف. نبود مرکز اخذ داده‌های جامع و موضوعی،

ب. انسجام در اقدامات پدافندی حوزه رسانه‌ای و موضع‌گیری نهادهای متولی شبه جنگ نرم،

پ. اقدامات تهاجمی سازماندهی شده و یکپارچه در حوزه عملیات روانی.

اما در چنین فضایی برای مقابله با عملیات روانی دشمن، علاوه بر رفع کاستی‌ها و خلأ موجود، نیاز به تدوین راهبردهای مقابله و مخاطب‌شناسی عمیق داریم. براساس نتایج این پژوهش به متولیان و سیاستگذاران حوزه عملیات روانی، جنگ‌های نوین و ترکیبی پیشنهاد می‌شود اقدامات زیر را در دستور کار قرار دهند:

(۱) مذاکرات هسته‌ای نمایان‌گر این بود که با تعامل و گفتگو می‌توان اغلب مشکلات

و تضادهای سیاسی را حل کرد. پیشنهاد می‌گردد حاکمیت در مسائل منطقه‌ای و

جهانی به‌همین رویه ادامه دهد تا در مسائل و اختلافات منطقه‌ای و جهانی نقش

آن کم‌رنگ‌تر شود.

- (۲) در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، ج.ا.ایران باید حضوری آگاهانه و برنامه‌ریزی شده داشته باشد و با استفاده از متخصصان حوزه رسانه و دیپلماسی بتواند از فرصت‌ها و چالش‌های پیشرو موفق بیرون بیاید. مسائل مهم در این حوزه عبارتند از:
- تدوین راهبردهای فعال و گفتمان‌ساز در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای،
 - ایجاد سازوکارهای پویا و فراگیر،
 - تقویت رسانه‌های بین‌المللی کشور از لحاظ ساختار، امکانات و منابع انسانی متخصص و توانمند،
 - جلب مشارکت و همراهی رسانه‌های مستقل و مردمی در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای.

- (۳) بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ای و خبرگزاری‌های مشترک کشورهای اسلامی با ایجاد خرد جمعی در کشورهای اسلامی منطقه از جمله عربستان، با نگاهی عمیق و آینده‌نگرانه، به‌جای اعتماد به سیاست‌های استعمارگرایانه می‌تواند با کشورهای منطقه براساس اصل دوستی به فعالیت پردازند و با تقویت همبستگی، به پیشبرد اهداف ملی و منطقه‌ای کمک کنند.

منابع

الف - فارسی

- آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۸). بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان مورخ ۱۳۸۸/۰۹/۰۴، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
- خسروی، محبوبه (۱۳۹۶). «شناسایی دیدگاه متخصصان برنامه درسی با استفاده از روش کیو»، *فصلنامه پژوهش‌های برنامه درسی*، ۷ (۱۴)، ۱۱۸-۱۴.
- خسروی، محبوبه (۱۳۹۹). «تحلیل نقش دانشگاه پژوهی در برنامه درسی آموزش عالی»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۷ (۲۷)، ۱۴۶-۱۲۱.
- خوشگویان فرد، علیرضا (۱۳۸۶). *روش‌شناسی کیو*. تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
- دانایی‌فرد، حسن؛ حسینی؛ سید یعقوب؛ و شیخها، روزبه (۱۳۹۲). *روش‌شناسی کیو: شالوده‌های نظری و چارچوب انجام پژوهش*. تهران: انتشارات صفار.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۱). *اصول و مبانی عملیات روانی؛ درآمدی بر اهداف، ابزارها و روش‌ها*. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول.
- شکرخواه، یونس (۱۳۷۴). *خبر*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ای.

ب - انگلیسی

- Bernards, Cohen (1963), *The Press And Foreign Policy*. Princeton: Princeton University Press: 120.
- Brown, S.R. (1993). "A primer on Q Methodology", *Operant Subjectivity*, 16 (3), PP. 91-138.
- Coogan, J. & Herrington, N. (2011). "Q Methodology: an Overview:", *Research on Teacher Education*, 1 (2), 24-28.
- McCombs, Maxwell; Donald, Shaw (1972). "The Agenda-Setting Function of Mass Media", *Public Opinion Quarterly*, 36 (1), PP.76-187.
- NIC: National Intelligence Council (2012). **Global Trends 2030: Alternative Worlds**. December, National Intelligence Council.
- Obama, Barack (2007). "Renewing American Leadership", *Foreign Affairs*, In: <https://www.foreignaffairs.com/united-states/renewing-american-leadership>.

